

## به نام خداوند کار آفرین

موضوع: آموزش اصطلاحات مهم اقتصادی

با توجه به انبوه گفتارها و نوشتارهای اقتصادی، شایسته است با مقداری از مفاهیم کلیدی این علم، آشنایی مختصری داشته باشیم.

### کالا و خدمات

- منظور از کالا، اشیایی است که برای به وجود آمدن از انبارهای تولیدی و مواد اولیه استفاده شده است. مثلاً برای تولید لباس، از نخ که مواد اولیه است و از ماشین‌های بافندگی که ابزاری تولیدی است استفاده شده است. اما خدمات، اشیای قابل لمس نیستند. مثلاً پولی که به مؤسسه آموزشی پرداخت می‌کنیم تا درس ریاضی یاد بگیریم، در واقع، نوعی «خدمت» خریداری کرده‌ایم.

### کالای مصرفی

- منظور از کالای مصرفی، آن است که بدون هیچ‌گونه تغییری در آن، قابلیت مصرف داشته باشد. مثلاً شکلات، پوشاک و خواروبار مستقیماً مصرف می‌شوند

## کالای واسطه ای

- کالای واسطه‌ای توسط کارخانه‌های تولیدی، خریداری و برای تولید کالاهای دیگر، استفاده می‌شوند. مثلاً فولاد خریداری شده، در صنعت اتومبیل‌سازی استفاده می‌شود. وابستگی به کالای واسطه‌ای زیان کم تری نسبت به وابستگی به کالای مصرفی دارد.

## تولید ناخالص داخلی (GDP)

- این مفهوم، تفاوت چندانی با مفهوم قبلی ندارد و عدد آن تقریباً مساوی با قبلی است. فقط مراد از کلمه «داخلی» این است که کالاها و خدماتی که در داخل کشور صورت گیرد، خواه توسط ایرانی و خواه توسط خارجی. مثلاً اگر یک شرکت فرانسوی در ایران اتومبیل تولید کند، جزو تولیدات داخلی حساب می‌شود

## درآمد ملی

- مجموع درآمدهایی در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود که عبارت است از: درآمد حقوق‌بگیران، دستمزدها، سود سرمایه، درآمد حاصل از اجاره املاک و ...

## تولید ناخالص ملی (GNP)

- ارزش پولی کلیه کالاها و خدماتی که اعضای یک ملت در طول یک سال، تولید کرده‌اند. کشوری را فرض کنید که در یک سال این تولیدات را داشته است:  
مواد غذایی: ۱۰۰۰ کیلو از قرار هر کیلو، ۲۰۰ تومان = ۲۰۰۰۰۰ تومان  
اتومبیل: ۱۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه، ۳ میلیون تومان = ۳۰۰ میلیون تومان  
پوشاک: ۱۰۰۰ عدد هر عدد، ۱۰۰۰ تومان = ۱۰۰۰۰۰۰ تومان  
خدمات: ۵۰۰۰۰۰ تومان
- اگر این ارقام را جمع بزنید، گفته می‌شود «تولید ناخالص ملی» این کشور، جمعاً ۳۰۱۷۰۰۰۰۰ تومان بوده است. منظور از کلمه «ناخالص»، این است که وقتی کارخانه‌ای اقدام به تولید اتومبیل یا پوشاک می‌کند، مقداری فرسودگی و استهلاک هم برای کارخانه به وجود می‌آید که باید آن را تعمیر یا جایگزین کرد. در این کشور فرضی، اگر حدود ۱۷۰۰۰۰۰ تومان هزینه استهلاک را از مجموع ارزش تولید ناخالص ملی کم کنیم، تولید «خالص» ملی که ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان است، به دست می‌آید.
- به عبارت روشن‌تر، منظور از تولید خالص ملی، کلیه کالاها و خدماتی است که اعضای یک «ملت» تولید کرده‌اند، خواه در داخل کشور باشد و خواه در خارج از کشور.

## درآمد سرانه

- اگر مجموع درآمدهای ملی را به تعداد جمعیت کشور تقسیم کنیم، «درآمد سرانه» به دست می‌آید که [میانگین درآمد شهروندان آن کشور است] متأسفانه در بعضی کشورها درآمد سرانه بسیار پایین است، به طوری که تفاوت درآمد سرانه کشورهای فقیر و غنی، موجب شده است که حدود یک میلیارد فقیر مطلق و ۸۴۰ میلیون گرسنه و دو میلیارد جمعیت که روزانه حدود دو دلار درآمد دارند، محصول این تبعیض باشد.

## تورم

- تعریف ساده «تورم»، افزایش قیمت‌هاست و علت‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد. یک علت ساده آن، این است که مقدار پول در جامعه بیش از مقدار تولید باشد. فرض کنید در یک اقتصاد ساده، ۱۰۰ عدد یخچال به قیمت ۱۰۰۰ تومان تولید شده است که مجموع قیمت آن، ۱۰۰۰۰۰ تومان است. حال اگر دولت، اقدام به چاپ اسکناس کند و ۱۰۰۰۰۰ تومان اسکناس وارد مدار اقتصاد نماید، قیمت یخچال، دو برابر می‌شود. تورم یک اصل پذیرفته‌شده در اقتصاد امروز است.

## محاسبه به قیمت ثابت و به قیمت جاری

- فرض کنیم کشوری فقط یخچال تولید می کند و گفته شده است که در سال ۱۳۶۱، تعداد ۱۰۰ یخچال به قیمت هر عدد ۱۰۰۰ تومان تولید کرده است.
- پس تولید این کشور در این سال، ۱۰۰۰۰۰ تومان است. اگر گفته شود در سال ۶۲ تولید این کشور، ۲۰۰ هزار تومان و در سال ۶۳ تولید این کشور ۳۰۰ هزار تومان بوده است، آیا واقعا تولید، سه برابر شده است؟ معلوم نیست جواب، مثبت باشد. اگر گفته می شد که در سال ۶۱، تعداد ۱۰۰ عدد و در سال ۶۲ تعداد ۲۰۰ عدد و در سال ۶۳ تعداد ۳۰۰ عدد یخچال تولید شده است، جواب سؤال بالا مثبت بود و تولید، سه برابر شده بود؛ ولی چون در محاسبه تولید ناخالص، تعداد کالا را در قیمت، ضرب می کنند، ممکن است این کشور، هیچ اضافه تولیدی نداشته باشد.
- این که گفتیم اضافه تولید نداشته ایم، بر این اساس است که قیمت سال ۶۱ را در نظر گرفتیم؛ یعنی با توجه به قیمت سال ۶۱ (که یخچال، ۱۰۰۰ تومان بوده است)، سال ۶۳ هم همان ۱۰۰ یخچال را تولید کرده ایم. در اصطلاح گفته می شود به قیمت ثابت (که در این جا قیمت سال ۶۱ است)، اضافه تولید نداشته ایم؛ چون در سال ۶۳ هم تعداد یخچال، ۱۰۰ عدد بوده است، درحالی که به قیمت جاری (یعنی قیمت فعلی سال ۶۳) ارزش تولید، سه برابر شده است؛ زیرا ارزش تولید سال ۶۱ برابر بوده است با  $100000 = 100 \times 1000$  تومان و ارزش تولید در سال ۶۳ برابر است با  $300000 = 100 \times 3000$  تومان
- معمولاً برای محاسبه تولیدات واقعی، تولیدات بر اساس سال پایه محاسبه می شوند

## ارزش افزوده

- افزایش ارزش پولی کالا طی انتقال از یک مرحله از تولید به مرحله دیگر
- از نظر محاسباتی، ارزش افزوده عبارت است از: «تفاوت بین ارزش محصول تولید شده با مجموع ارزش مواد اولیه و ملزومات و کالاهای نیمه‌ساخته‌ای که در تولید آن به کار رفته‌اند.»  
مثلاً اگر یک قنادی برای تهیه یک کیلو کیک، ۲۰۰ ریال شکر، ۳۰۰ ریال آرد، ۳۵۰ ریال تخم مرغ، ۴۵۰ ریال مواد دیگر هزینه کند و محصول تولیدی را به ۵۰۰۰ ریال بفروشد، ارزش افزوده آن یک کیلو کیک، برابر خواهد بود با:  
ریال  $3700 = (200 + 300 + 350 + 450) - 5000$  پس قناد مورد بحث، ۳۷۰۰ ریال ارزش افزوده ایجاد کرده که بعد از آن که مزد کارگر و اجاره و خرج های دیگر را کم کند، ممکن است به اندازه ۷۰۰ ریال سود برایش بماند .
- پس باید دقت کرد که همیشه «ارزش افزوده» مساوی با «سود» نیست. این که این سود، شرعی یا قانونی است و یا تا چه اندازه آن قابل قبول است، محلّ بحث ما نیست ؛ اما به طور کلی فقیهان، سود حاصل از این کار (ایجاد ارزش افزوده) را شرعی می‌دانند و تنها در جزئیات آن، اختلاف است.

## سیاست‌های پولی

- سیاست‌گذاری پول در جامعه از طریق کاهش یا افزایش دادن حجم پول موجود در دست مردم، صورت می‌گیرد که از آن با تعبیر «سیاست انقباضی» یا «سیاست انبساطی» نیز یاد می‌شود. فرض کنید به علت چاپ اسکناس، قیمت‌ها افزایش یافته است. در این صورت، دولت باید نوعی سیاست کاهش حجم پول یا «سیاست انقباضی» را اعمال کند. این کار، چندین راه دارد. یکی از راه‌های آن - که معمولاً در جامعه ما اتفاق می‌افتد - این است که دولت، اوراق مشارکت (یا اوراق قرضه) منتشر می‌کند و مردم با خریدن آنها، باعث کاهش حجم پول در جامعه می‌شوند.

## سیاست‌های مالی

- سیاست‌گذاری مالی، از طریق افزایش یا کاهش دادن مالیات یا خریدهای دولتی صورت می‌گیرد. مثلاً یک سیاست انبساطی مالی این است که دولت، مالیات‌ها را کاهش دهد تا قدرت خرید مردم بالا رود و اقتصاد، به کنترل درآید.

## مالیات

- در کشورهای غربی (توسعه یافته)، درآمد عمده کشور از طریق مالیات است و فروش نفت و مواد اولیه را جزو منابع درآمدی عمده به حساب نمی‌آورند. مالیات براساس یک تقسیم‌بندی به دو نوع «مستقیم» و «غیر مستقیم» تقسیم می‌شود.

### الف) مالیات مستقیم:

مالیاتی است که مستقیماً از افراد یا شرکت‌ها دریافت می‌شود و دو ویژگی دارد: اولاً پرداخت‌کننده آن مشخص است؛ ثانياً مقدار آن نیز معین است. مثلاً مالیاتی که از حقوق کارمندان یا ثروت افراد دریافت می‌گردد، مستقیم است؛ چرا که هم پرداخت‌کننده و هم مبلغ، مشخص هستند.

### ب) مالیات غیرمستقیم:

در این مالیات، نه پرداخت‌کننده معین است و نه افراد می‌دانند که چه مقدار مالیات پرداخته‌اند. مثلاً دولت، تعیین می‌کند که در ازای هر نوشابه، فلان مبلغ هم باید مالیات پرداخت شود و مصرف‌کننده که ۷۵۰ ریال بابت یک نوشابه می‌پردازد، نمی‌داند چه مقدار آن بابت مالیات است.



## رشد و توسعه

- معمولاً این دو واژه با هم اشتباه می‌شوند.
  - اگر تولیدات یک کشور از نظر عددی بالا رود، کشوری «رشد یافته» است؛ ولی لزوماً «توسعه یافته» نیست. برای اندازه گیری رشد اقتصادی یک کشور، از شاخص «درآمد سرانه» استفاده می‌شود و چنانچه عدد آن افزایش یافته باشد، گفته می‌شود آن کشور، رشدی معادل مثلاً شش درصد داشته است.
- اما برای اندازه‌گیری توسعه، از شاخص‌های دیگری استفاده می‌شود. مثلاً اگر کشوری علاوه بر رشد، توانسته باشد نرخ مرگ و میر نوزادان را کاهش دهد، امید به زندگی را در جوانان کشورش افزایش دهد و از نرخ بیسوادی بزرگسالان خود بکاهد، گفته می‌شود کشوری توسعه یافته است.
- البته توسعه یافتگی نیاز به زمان دارد. مثلاً در ژاپن از هر هزار تولد، حدوداً چهار نوزاد می‌میرند؛ ولی در بعضی کشورهای آفریقایی حدود ۱۱۴ نوزاد با مرگ مواجه می‌شوند.
- امید به زندگی در ژاپن، حدود ۸۰ سال و در کشور آفریقایی موزامبیک، حدود ۴۶ سال است. نرخ بیسوادی در بزرگسالان در ژاپن کم تر از ۵ درصد و در موزامبیک، ۶۷ درصد است.
- درآمد سرانه هر ژاپنی (تقسیم درآمد کل کشور به جمعیت ژاپن) ۳۱۴۹۰ دلار و در موزامبیک، ۹۰ دلار است. پس ژاپن، کشوری توسعه یافته و موزامبیک، کشوری توسعه نیافته (عقب افتاده) است.

## سازمان‌های بین‌المللی تجارت

### صندوق بین‌المللی پول (IMF)

- یکی از سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۴۴م، تأسیس شد و هدف آن، همکاری کشورها در جهت حل مسائل پولی بین‌المللی بود.

### بانک جهانی

- تأسیس آن در سال ۱۹۴۴م، هم‌زمان با صندوق بین‌المللی پول بوده است و هدف اصلی آن، افزایش سطح رفاه کشورهای در حال توسعه از طریق اعطای وام با شرایطی است که خود بانک، دیکته (اعمال) می‌کند. تحقیقات، نشان داده است که کشورهای جهان سوم از سیاست‌های این بانک، بهره‌چندانی نبرده‌اند.

### سازمان تجارت جهانی (W.T.O)

- این سازمان در سال ۱۹۴۷م با موافقت و امضای ۲۳ کشور جهان (با عنوان اختصاری «گات») تشکیل گردید و روز به روز بر تعداد اعضای آن افزوده شده است.

## هدف اصلی این سازمان تجارت جهانی (W.O.T)

- به حداقل رساندن دخالت کشورها در امور تجارت بین الملل است تا بنگاه های تولیدی، از قدرت و امکانات رقابتی یکسانی در سطح بین المللی برخوردار شوند. این هدف، از راه هایی قابل وصول است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

الف) اگر یکی از اعضا در زمینه عوارض گمرکی شرایط مساعدی را به کشوری اعطا کند، همه کشورهای دیگر باید آن شرایط را رعایت کنند؛

ب) آزادی تجارت در بخش های مختلف اقتصاد؛

ج) این سازمان به تدریج عوارض گمرکی را کاهش می دهد. مثلاً در حال حاضر برای آن که تولیدات داخلی لطمه نخورد، دولت ها سعی می کنند عوارض گمرکی را زیاد کنند تا واردات، کم و به جای آن، تولید بالا رود و صادرات زیاد شود؛ ولی در برنامه درازمدت W.T.O، این محدودیت ها باید کاهش یابند و یا لغو شوند.

## سپرده دیداری

- به حساب های جاری بدون بهره در بانکهای تجاری به استثناء سپرده سایر بانکها، دولت و دولتهای خارجی سپرده دیداری گویند.

## ضریب فزاینده (ضریب تکاثر)

- هرگاه یکی از اجزاء مستقل موثر بر تقاضای کل، مانند سرمایه‌گذاری، مخارج دولت، مصرف و... تغییر یابد درآمد ملی به میزان چند برابر آن افزایش می‌یابد.
- زیرا زمانی که سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند تولید افزایش پیدا کرده، تقاضا افزایش می‌یابد، مصرف افزایش می‌یابد و مجدداً تقاضا و تولید افزایش می‌یابد و این روند باعث افزایش چندین برابر تولید و در نهایت درآمد ملی کشور می‌شود. به این ضریب افزایشی، ضریب فزاینده ( تکاثری) گویند.

## هزینه فرصت

- ارزش استفاده از فرصت‌های دیگر که از آن صرف نظر می‌کنیم را هزینه فرصت می‌گویند. زمانی که یک عامل تولید کمیاب است، تخصیص آن در یک فعالیت تولیدی به معنی صرف نظر کردن از فرصت برای استفاده از آن در زمینه‌های دیگر است.
- هزینه فرصت تشریح کننده این واقعیت است که اگر انتخاب اولیه صورت نمی‌گرفت، انتخاب‌های دیگری با ارزشهای متفاوت وجود می‌داشت که می‌توانست صورت بگیرد. به طور مثال اگر شما شغلی با درآمد سالانه ۳۰۰ میلیون تومان را ترک می‌کنید تا یک استارت‌آپ راه بیندازید، هزینه فرصت شما برای راه‌اندازی استارت‌آپ ۳۰۰ میلیون در سال خواهد بود. ارزش نهایی این کار شما باید بالاتر از چیزی باشد که از آن صرف نظر می‌کنید.

## قانون تقاضا

- رابطه معکوس بین قیمت و مقدار را در اقتصاد قانون تقاضا می‌گویند ، یعنی هر گاه قیمت افزایش ( کاهش ) می‌یابد مقدار تقاضا کاهش ( افزایش ) می‌یابد.

## تغییر در مقدار تقاضا

- در صورتی که قیمت یک کالا تغییر کند طبق قانون تقاضا، مقدار تقاضا در جهت عکس تغییر می‌یابد و به این تغییر در اصطلاح تغییر در مقدار تقاضا گویند.

## تغییر در تقاضا

- در اقتصاد زمانی که بر اثر عواملی که بر تقاضا موثراند، منحنی تقاضا جابه جا شود که به معنای افزایش یا کاهش تقاضای کالای مربوطه می‌باشد، در اصطلاح تغییر در تقاضا گفته می‌شود.
- شایان ذکر است تغییر در تقاضا با تغییر در مقدار تقاضا متفاوت است. در تغییر تقاضا، قیمت و مقدار ثابت هستند و عوامل دیگری مثل درآمد، سلیقه، تبلیغات و غیره باعث تغییر در تقاضا می‌شود.

## تبادل پایدار

- زمانی که در بازار، تقاضاکننده و عرضه کننده در قیمت و مقدار یکسانی به رضایت برسند و هر دو از قیمت و مقدار کالا جهت انجام مبادله، رضایت داشته باشند، به گونه‌ای که هیچ اضافه عرضه و اضافه تقاضایی در بازار آن کالا وجود نداشته باشد، تبادل حاصل شده را تبادل پایدار گویند.
- به عنوان مثال، در صورتیکه در بازار، یکی از فروشندگان قیمت بالاتری را پیشنهاد دهد، متقاضیان تقاضای خود از آن کالا را به سمت عرضه کننده دیگری سوق می‌دهند، در نتیجه عرضه کننده مجبور به کاهش قیمت خود به سمت قیمت تعادلی می‌شود. بنابراین تبادل در بازار به حالت اولیه بازمی‌گردد. به همین دلیل به آن تبادل پایدار می‌گویند.

## اشتغال کامل

- اشتغال کامل به وضعیتی اطلاق می‌شود که بیکاری در آن جامعه بسیار اندک ( کمتر از ۵ درصد) باشد و تقریباً تمامی آحاد جامعه در اشتغال باشند.

## تبادل اشتغال کامل

- اگر در حالت اشتغال کامل تقاضای کل با عرضه کل برابر باشد، درآمد ملی در اشتغال کامل در تبادل است و در نتیجه تبادل اشتغال کامل بدون تورم و بیکاری در اقتصاد برقرار خواهد بود.

## تبادل رکودی

- در وضعیت اشتغال کامل هر کشور به سطح مشخصی از تولید دست پیدا می کند.
- در صورتی که سطح تقاضای کل و عرضه کل کالا و خدمات تولید شده در جامعه در سطحی کمتر از سطح تولید در وضعیت اشتغال کامل باشد، به علت آن که تقاضای کل از عرضه کل تولید اشتغال کامل کمتر است، شکاف رکودی به میزان کمبود تقاضای موثر به وجود می آید که سبب بروز بیکاری در جامعه می گردد. در نتیجه تعادل عرضه و تقاضای جامعه در وضعیت رکودی رخ می دهد.

## عرضه پول فعال

- کلیه اسکناس و مسکوک در اختیار مردم و سپرده های دیداری مردم در اختیار بانکهای تجاری را عرضه پول فعال می گویند.

## نقدینگی

- به عرضه پول فعال به اضافه شبه پول ( شامل سپرده پس از انداز و مدت دار و ... ) را نقدینگی یا تعریف گسترده پول گویند.

## ذخیره قانونی

- مبالغی که بانک مرکزی از سپرده‌های بانک‌های تجاری دریافت می‌کند تا در صورت بروز مشکلاتی چون بحران‌های مالی و ورشکستگی و نظیر آن بتواند از آن مبالغ در جهت کمک به بانکها برای رفع مشکل اقدام بنماید. درصدی که از جانب بانک مرکزی اعلام می‌شود را نرخ ذخیره قانونی می‌گویند.

### پایه پولی ( پول پر قدرت)

- مجموع مقدار کل پول نقد، اسکناس، و مسکوک در دست مردم و ذخایر نزد بانک‌ها را پایه پولی گویند که مستقیماً توسط بانک مرکزی کنترل می‌شود.

### سفته‌بازی یا سوداگری پول

- از آن جا که پول جهت انجام مبادلات اقتصادی به کار می‌رود، در بسیاری از مواقع آن بخشی از پول که صرف خرید کالا یا خدمات و هزینه‌ها نمی‌گردد و به صورت اضافی باقی می‌ماند، از جانب مصرف‌کنندگان می‌تواند صرف انجام معاملات ریسک‌پذیر سودآوری چون خرید و فروش سهام، اوراق قرضه و بهادار و نظیر آن گردد که در اصطلاح اقتصادی به آن سفته‌بازی یا سوداگری پول می‌گویند.



## نرخ ارز

- نسبت قیمت پول خارجی به قیمت پول داخلی را نرخ ارز گویند.

### نرخ ارز ثابت و شناور

- از آنجا که هنگام صادرات اقتصادی با کشورهای خارجی نیازمند پول خارجی آن کشور و یا پول بین المللی هستیم، تغییرات این پول در بازار بین المللی در صادرات و واردات کشورها موثر است. به عنوان مثال، افزایش نرخ ارز به معنای ارزان شدن کالاهای صادراتی و گران شدن کالاهای وارداتی کشور است .  
بنابراین با صادر کردن آن و به دست آوردن ارز و تبدیل آن به پول داخلی درآمد بیشتری عاید می شود. در نتیجه صادرات افزایش پیدا می کند. این نوع مبادلات در تقاضای ارز موثر است که می تواند قیمت آن را تغییر دهد.  
بانک مرکزی جهت جلوگیری از اینگونه تغییرات قیمت ارز، می تواند اقدام به عرضه ارز هنگام عدم تقاضای آن بنماید تا قیمت ارز ثابت مانده و دستخوش تغییر در داخل کشور نگردد که این نرخ ارز در بازار را نرخ ارز ثابت می گویند .  
اما هنگامی که بانک مرکزی قیمت ارز را در اختیار عرضه و تقاضای آن در بازار ارز بگذارد، قیمت ارز در بازار می تواند بالا یا پایین رود که به آن نرخ ارز شناور گویند. در این وضعیت گویی هر یک از ارزها به صورت یک کالای متجانس درآمده که نرخ آن توسط بازار عرضه و تقاضای ارز تعیین می شود.

## کاهش یا افزایش ارزش اسمی پول

- در صورتی که نرخ ارز مثلاً دلار افزایش یابد، در نتیجه دلار نسبت به پول داخلی گرانتر می‌شود در نتیجه برای خرید دلار می‌بایست پول بیشتری نسبت به قبل پرداخت شود و این یعنی کاهش ارزش اسمی پول داخلی در برابر پول خارجی. عکس این حالت افزایش ارزش اسمی پول است.

## حساب سرمایه

- حساب سرمایه منعکس‌کننده معاملات بین‌المللی بر روی دارایی‌های مالی است. این معاملات توسط افراد، بخش خصوصی و دولتی، به صورت خرید و فروش دارایی‌ها در سطح بین‌المللی انجام می‌شود. نقل و انتقالات ارزی حاصل از این گونه معاملات با انتقال کالا و خدمات همراه نیست بلکه ورود و خروج سرمایه است. وام دادن به خارج، قرض گرفتن از آن، سرمایه‌گذاری خارجی در داخل یا بالعکس از جمله مبادله‌های سرمایه‌ای است که در حساب سرمایه درج می‌شود.

## تراز تجاری

- میزان صادرات و واردات یک کشور و کلیه پرداخت‌ها و دریافت‌های حاصل از آن در حسابی به نام حساب تجاری درج می‌گردد. تفاوت ارزش کالا و خدمات صادراتی و وارداتی بیانگر تراز تجاری است. در صورتی که این اختلاف صفر شود می‌گویند حساب تجاری تراز است. اما اگر صادرات بیشتر باشد دارای مازاد تجاری هستیم و اگر واردات بیشتر باشد کسری تجاری داریم.

## تراز پرداخت‌ها

- صورت‌حسابی است که برای یک دوره‌ی یکساله، تمامی مبادلات اقتصادی شامل تجارت کالا و خدمات، انتقالات دارایی مالی یک کشور با سایر کشورهای جهان را ثبت می‌کند که از حاصل جمع حساب سرمایه و حساب تجاری به دست می‌آید. در صورتی که اختلاف حساب تجاری و سرمایه صفر باشد، دارای عدم مازاد و کسری تراز پرداخت‌ها و اگر مثبت باشد مازاد تراز پرداخت‌ها و در غیر این صورت کسری تراز پرداخت‌ها خواهیم داشت. که در این صورت ( در صورت وجود کسری ) مجموع منابع ارزی که از کشور خارج می‌شود بیش از منابع ارزی است که وارد کشور می‌شود.

- سود یک عدد قطعی است که با میزان درآمد یا بازده مالی افزون بر هزینه های جاری شرکت، تعیین می شود. نحوه محاسبه آن به این صورت است: کل میزان درآمد منهای کل هزینه های محاسبه شده شرکت و در صورت حساب سود و زیان شرکت ذکر می شود. صرف نظر از حجم و حوزه تجارت یا صنعتی که در آن فعالیت می کند، هدف یک شرکت همیشه سود بردن است.

### کاربردهای سودآوری در دنیای واقعی

- سرمایه گذاران برای تعیین ارزش سرمایه گذاری در یک شرکت، تنها به محاسبه سود اکتفا نمی کنند. در عوض تحلیل سودآوری شرکت برای درک اینکه آیا شرکت بطور موثر از منابع و سرمایه ها استفاده می کند، امری ضروری است. ممکن است یک شرکت در ظاهر سودآور باشد ولی سود ده نباشد. معیارهایی برای افزایش سودآوری و رشد کلی شرکت وجود دارد. پروژه های ناموفق می توانند به سرعت یک شرکت را به زمین زده و آن را در انبوه هزینه ها غرق کند. شرکت ها می توانند با استفاده از شاخص های سودآوری بفهمند آیا یک پروژه ارزش پیگیری دارد یا خیر و درصد شکست را پایین بیاورند. این معیار، نگرش مدیریت شرکت را به سمت مقایسه سود و هزینه های یک پروژه هدایت می کند و با تقسیم ارزش فعلی جریان های نقدی آتی به سرمایه گذاری اولیه پروژه، محاسبه می شود.

## تعریف سودآوری

- سودآوری ارتباط نزدیکی با سود دارد؛ اما با یک تفاوت کلیدی. در حالی که سود یک مقدار مطلق است، سودآوری نسبی است. از این معیار برای تعیین دامنه ی سود شرکت با در نظر گرفتن اندازه ی کسب و کار، استفاده می شود. سودآوری یک معیار اندازه گیری بهره وری و در نهایت بیانگر موفقیت و شکست یک کسب و کار است. تعریف دقیق تر سودآوری، توانایی یک کسب و کار در ایجاد بازده مالی مبتنی بر منابع خود در مقایسه با یک سرمایه گذاری جایگزین است. با وجودی که یک شرکت می تواند سود ببرد اما این به معنی سودآوری شرکت نیست .

## نظریه حاشیه سود

- یک شرکت همچنین می تواند سودآوری را از طریق تئوری حاشیه سود، افزایش دهد. یکی از گام‌های نخستین برای افزایش سودآوری افزایش فروش است؛ که نیاز به افزایش تولید دارد. نظریه ی حاشیه سود بیان می کند که افزودن کارکنان تا یک حد مشخص می تواند استفاده از سرمایه را تا حد بسیاری افزایش دهد. فراتر از آن افزایش تعداد کارکنان به کاهش بازده و در نهایت سودآوری کمتر منجر می شود. برای سودآوری لازم است یک شرکت این نظریه را بر کسب و کار و تولید خود اعمال کند؛ تا بتواند رشد را به شیوه ای موثر و مقرون به صرفه تجربه کند.

## سخن پایانی

اگرچه این دو عبارت مشابه به نظر می‌رسند؛ اما زمانی که پای مدیریت کسب و کار و سرمایه‌گذاری به میان می‌آید سودآوری و سود بطور مجزا و انحصاری در نظر گرفته می‌شوند. تنظیم مجدد خطوط تولید و افزایش قیمت، دو نظریه هستند که بیشترین تاثیر را بر اینکه آیا یک شرکت می‌تواند به سود برسد یا درآینده سودآوری را تجربه کند؛ دارند.